

درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۳

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (بررسی اشکالات نظر مختار)

مصادف با: ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۳۵

جلسه: ۱۰۳

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**خلاصه جلسه گذشته:**

عرض کردیم نسبت به وجهی که برای تصویر جامع مورد پذیرش واقع شد اشکالاتی مطرح است که این اشکالات باید پاسخ داده شود، اشکال اول را در جلسه گذشته پاسخ دادیم.

**بررسی اشکال دوم:**

اشکال این بود که بنا بر وجهی که امام (ره) از تصویر جامع ارائه داد افراد صحیح و فاسد از دایره موضوع له خارج می‌شوند در نتیجه نزاع بین صحیحی و اعمی معنی نخواهد داشت، اینکه موضوع له و جامع یک امری باشد که هم طبق قول صحیحی و هم طبق قول اعمی قابل ارائه باشد لازمه‌اش این است که نزاعی باقی نماند و اصلاً نزاع بین صحیحی و اعمی سالبه به انتفاء موضوع خواهد شد.

این اشکال هم وارد نیست؛ چون صحیحی مثلاً اطلاق لفظ «صلاة» را که برای هیئت خاص حال در اجزاء خاص وضع شده بر فاسد جامع معظم اجزاء تجویز نمی‌کند، یعنی صحیحی می‌گوید: درست است که لفظ «صلاة» برای هیئته الخاصة الحالّة فی المواد الخاصة وضع شده و این هیئت و ماده، تام است و این لفظ فقط بر افراد صحیح منطبق است لذا استعمال لفظ «صلاة» در فرد فاسد را مجاز نمی‌داند یعنی چنین استعمالی را حقیقی نمی‌داند بلکه مجازی می‌داند، ولی اطلاق لفظ «صلاة» بر فرد صحیحی که حتی معظم اجزاء را هم ندارد صحیح است؛ مثلاً از نظر صحیحی با اینکه موضوع له لفظ «صلاة» عبارت از هیئت خاصی است که در مواد خاص حلول کرده لکن استعمال این لفظ در نماز شخص مسافر، نماز شخص خوابیده، نماز غرق و امثال آن صحیح می‌باشد اما نمی‌توان این لفظ را در نماز کسی که چهار رکعت خوانده و همه اجزاء را انجام داده اما سجده را ترک کرده به نحو حقیقی استعمال کرد و استعمال لفظ صلاة در چنین نمازی، مجازی خواهد بود، پس اگر موضوع له را همان معنایی فرض کنیم که امام (ره) فرموده باز هم نزاع صحیحی و اعمی به قوت خود باقی خواهد بود؛ چون صحیحی این استعمال را در بعضی موارد جایز می‌داند و در برخی موارد دیگر جایز نمی‌داند ولی اعمی به طور کلی اطلاق لفظ «صلاة» را بر همه موارد صلاة جایز می‌داند و معتقد است لفظ «صلاة» بر همه افراد نماز اعم از صحیح و فاسد اطلاق می‌شود لذا طبق تصویر امام (ره) از تصویر جامع باز هم نزاع بین صحیحی و اعمی به قوت خودش باقی خواهد بود.

البته اینکه لفظ «صلاة» بر چه مواردی قابل اطلاق و بر چه مواردی قابل اطلاق نیست باید در جای خودش مورد بحث واقع شود لکن آنچه مسلم است این است که موارد استعمال این لفظ از نظر صحیحی متفاوت است.

## بررسی اشکال سوم:

اشکال سوم این بود که بر فرض از اشکال دوم صرف نظر کنیم و کلام امام (ره) برای تصویر جامع را بپذیریم ثمره عملی برای نزاع بین صحیحی و اعمی باقی نخواهد ماند. بین اشکال دوم و سوم فرق است، در اشکال دوم این مسئله مطرح شد که بر فرض پذیرش کلام امام (ره) اصلاً موضوعی برای نزاع بین صحیحی و اعمی باقی نخواهد ماند و سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود ولی در اشکال سوم مستشکل می‌گوید: بر فرض نزاع هم منتفی نشود اما این نزاع صرفاً یک نزاع علمی خواهد بود و هیچ ثمره عملیه‌ای بر آن مترتب نخواهد شد، چون طبق تصویر امام (ره) لفظ عبادت برای معنای عامی وضع شده که هم با قول صحیحی و هم با قول اعمی سازگار است و این بدان معناست که موضوع‌له از نظر اعمی و صحیحی یک چیز است لذا تمسک به اطلاق برای اعمی و صحیحی یکسان است لذا نمی‌توان گفت تمسک به اطلاق برای صحیحی جایز نیست ولی برای اعمی جایز است چون جهتی که برای عدم جواز تمسک به اطلاق طبق نظر صحیحی ذکر شده منتفی می‌شود.

ما چند ثمره برای نزاع بین صحیحی و اعمی ذکر کردیم، البته ثمراتی را که ما بیان کردیم حول الفاظ عبادات بود لکن در الفاظ معاملات هم مطلب از همین قرار است و ما برای اینکه این بحث را بر الفاظ معاملات هم منطبق کنیم ان شاء الله بعداً ثمره نزاع و تصویر جامع در رابطه با الفاظ معاملات را هم در خاتمه بحث صحیح و اعم متعرض خواهیم شد.

اما اجمالاً بعضی از ثمراتی را که در بحث صحیح و اعم ذکر کردیم از بقیه مهمتر بود، مهمترین ثمره که مورد قبول همه است جواز تمسک اعمی به اطلاق و عدم جواز تمسک صحیحی به اطلاق بود، گفته شد صحیحی چنانچه شک در شرطیت یا جزئیت چیزی داشته باشد برای نفی شرطیت و جزئیت نمی‌تواند به اطلاق تمسک کند؛ مثلاً اگر صحیحی شک کند سوره جزء نماز است یا نه نمی‌تواند به اطلاق ادله نماز تمسک کند و بگوید سوره جزء نماز نیست؛ چون طبق نظر صحیحی اگر احتمال داده شود سوره جزء نماز است یا نه کأن شک دارد اصلاً بدون سوره عنوان صلاة محقق می‌شود یا نه چون به نظر او اساساً عنوان صلاة بر نماز غیر صحیح منطبق نمی‌شود بنابراین به نظر صحیحی اصلاً عنوان صحیح بر نماز بدون سوره منطبق نمی‌شود لذا اگر در جایی در اصل تحقق عنوان شک شود نمی‌توان به اطلاق دلیل اخذ کرد، پس صحیحی نمی‌تواند برای نفی شرطیت و جزئیت به اطلاق ادله تمسک کند اما اعمی می‌تواند به اطلاق ادله تمسک کند؛ زیرا از نظر اعمی دلیل مطلق که می‌گوید: «اقیموا الصلاة» هم بر فرد صحیح منطبق است هم بر فرد فاسد لذا اگر در شرطیت و جزئیت چیزی شک کند مثلاً شک کند سوره جزء نماز است یا نه شک او شک در محصل عنوان نیست و هر چند سوره هم به حسب واقع جزء نماز باشد تأثیری در تحقق عنوان صلاة نخواهد داشت لذا او می‌تواند به اطلاق تمسک کند.

به نظر ما طبق تصویری هم که امام (ره) از جامع ارائه داد باز ثمره عملیه قابل تصویر است؛ چون الفاظ عبادات مثل لفظ «صلاة» در محیط شرع بر موارد مشابه آن صلاة اولیه اطلاق شده، یعنی درست است واضح لفظ «صلاة» را برای هیئت خاصه‌ای وضع کرده که در اجزاء خاصه حلول کرده اما این لفظ در محیط شرع و بین متشرعه به مواردی که این ویژگی را

داشته اطلاق شده و از نظر صحیحی این لفظ فقط بر همه مراتب از صحیح قابل اطلاق است، یعنی صلاة که یک هیئت خاصی دارد که در اجزاء خاصی حلول کرده همه جا قابل انطباق نیست بلکه در یک موارد خاصی که مشابه آن مرتبه عالی هستند قابل انطباق است، پس ولو صحیحی موضوع له لفظ «صلاة» را یک معنای عام می‌داند که اعمی هم همان را قائل است اما این گونه نیست که از نظر صحیحی اطلاق لفظ «صلاة» بر همه موارد جایز باشد، حال وقتی از نظر او اطلاق این لفظ در همه جا جایز نیست و در محیط شرع هم مطلب از همین قرار است پس اگر شارع دلیل مطلق آورده و گفته «اقیموا الصلاة» لفظ مطلق که او استعمال می‌کند این گونه نیست که هم معنای صحیح و هم معنای فاسد را از این لفظ اراده کرده باشد، پس اگر چه طبق نظر صحیحی موضوع له لفظ «صلاة» یک معنای عامی است اما باز از نظر همین صحیحی لفظ «صلاة» که برای یک معنای عام وضع شده در ادله شرعیه در مطلق افراد اعم از صحیح و فاسد استعمال نشده بلکه فقط در افراد صحیح استعمال می‌شود و نمی‌شود از این لفظی که در صحیح استعمال شده معنایی غیر صحیح اراده شده باشد لذا باز هم طبق نظر صحیحی تمسک به اطلاق جایز نیست.

#### **بررسی اشکال چهارم:**

اشکال چهارم این بود که بر فرض ما از اشکالات سه‌گانه قبلی صرف نظر کنیم و بگوییم این تصویری که امام (ره) از جامع ارائه کرده با وجوه دیگری که از جامع ارائه شد متفاوت است و بر فرض بپذیریم نزاع بین صحیحی و اعمی منتفی نیست و ثمره عملیه هم بر این نزاع مترتب می‌شود اما مشکل دیگری که این تصویر دارد این است که شامل بعضی از افراد نمی‌شود مثلاً لفظ «صلاة»، نماز میت و نماز غرقی را شامل نمی‌شود.

به نظر می‌رسد در مورد صلاة میت بتوان این اشکال را توجیه کرد، یعنی در انطباق وجهی که امام (ره) از تصویر جامع ارائه داده بر نماز میت مشکلی مشاهده نمی‌شود، چون طبق این وجه لفظ «صلاة» برای عبادت خاصی وضع شده که هیئت خاصی دارد و در اجزائی حلول کرده و با آن اجزاء اتحاد پیدا کرده مثل اتحاد صورت و ماده و این بر نماز میت هم منطبق می‌شود چون این نماز هم دارای هیئت خاصی است، همچنین اجزاء خاصی هم مثل تکبیر و ذکر دارد لذا بیان امام (ره) شامل نماز میت هم می‌شود.

اما در رابطه با نماز غرقی مشکل است بتوان کلام امام (ره) را بر آن منطبق کرد؛ چون در نماز غرقی نه هیئت خاصی وجود دارد و نه جزئی تا گفته شود این هیئت خاص در آن جزء حلول کرده و با آنها اتحاد پیدا کرده است، بلکه نماز غرقی صرف یک توجه قلبی است و هیئت و جزئی ندارد تا این تصویر از جامع شامل آن هم بشود. لذا در مورد نماز غرقی باید قضیه را به گونه‌ای دیگر توجیه کرد و گفت اصلاً نماز غرقی، صلاة نیست و مجازاً به آن صلاة گفته می‌شود ولی این توجیه هم پذیرفته شده نیست چون این اصطلاح (صلاة غرقی) در کتب آمده، اینکه «الصلاة لا یتربک بحال» شامل نماز در همه حال میشود، مگر اینکه کسی بگوید نماز غرقی اصلاً صلاة نیست. بر فرض این توجیه هم قابل قبول نباشد چاره‌ای نداریم جز این که بگوییم این اشکال متوجه این وجه است اما حداقل این است که محذور این وجه از سایر وجوهی که قبلاً گفته شد

کمتر است. بعلاوه این مشکل فقط در مورد صلاة وجود ولی در مورد سایر عبادات این اشکال مطرح نمی‌شود چون در مورد سایر عبادات گفته نشده که در هیچ حالی ترک نمی‌شود لذا با اینکه این تصویری که امام (ره) ارائه داد شامل نماز غرقی نمی‌شود ولی این اشکال به اصل مسئله لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

از آنچه تا کنون ذکر کردیم نتیجه می‌گیریم چاره‌ای از تصویر جامع نیست و وجهی هم برای تصویر جامع ارائه شد که هم طبق قول صحیحی و هم طبق قولی اعمی قابل قبول است.

**بحث جلسه آینده:** دو بحث دیگر باقی مانده؛ اول بررسی ادله صحیحی و اعمی و اینکه حق در مسئله چیست؟ آیا حق با صحیحی است یا اعمی؟ بعد از این مطلب هم به ثمرات نزاع و تصویر جامع در الفاظ معاملات اشاره‌ای خواهیم داشت.

### **آثار خصومت با یکدیگر:**

امام باقر (ع) می‌فرماید: «ایاکم و الخصومة فانها تفسد القلب و تورث النفاق»؛ از دشمنی با یکدیگر پرهیزید که دشمنی و خصومت با یکدیگر قلب را فاسد می‌کند و می‌میراند و نفاق را به انسان هدیه می‌دهد و برای او به ارث می‌گذارد. دل‌ها باید پر از مهر و محبت باشد لکن ما انسان‌ها از محبت قلبی نسبت به یکدیگر دریغ می‌ورزیم، به ظاهر نسبت به همدیگر ارادت می‌ورزیم و لساناً به هم محبت می‌کنیم لکن قلب‌ها گرفتار خصومت شده و از محبت خالی است. لذا انسان باید از دشمنی و نفاق دوری کند چون باعث فساد قلب و ایجاد خصومت و دو روئی در انسان می‌گردد و وقتی نفاق و خصومت در قلب انسان خانه کرد باعث می‌شود انسان ظاهراً ابراز محبت کند ولی قلباً با دیگران دشمنی و خصومت داشته باشد. إن شاء الله خداوند متعال به ما توفیق دهد تا قلب خود را از رذائلی مثل خصومت و نفاق پاک کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»